

فصلنامه ژئوپلیتیک - سال دوم، شماره سوم و چهارم، پاییز و زمستان ۱۳۸۵

صص ۱۱۹-۱۵۴

وزن ژئوپلیتیکی و نظام قدرت منطقه‌ای (بررسی موردی: جنوب غرب آسیا)

دکتر هادی اعظمی* - استادیار جغرافیای سیاسی، دانشگاه فردوسی مشهد

تاریخ دریافت: ۱۳۸۶/۲/۲۰

تاریخ پذیرش: ۱۳۸۶/۶/۳۰

چکیده

سنجش قدرت ملی کشورها مستلزم ارزیابی و محاسبه مؤلفه‌ها و عوامل مختلف اقتصادی، اجتماعی، سیاسی، سرزمینی، نظامی، فرهنگی، علمی و فرامرزی کشورهاست که محاسبه مجموع امتیازات این عوامل نشانگر میزان و سطح قدرت ملی و تعیین جایگاه آنها در کشورها و در سطح منطقه‌ای و قاره‌ای است. با مشخص شدن وزن و جایگاه ژئوپلیتیکی کشورها، آنها می‌توانند برای رسیدن به اهداف برنامه‌ریزی شده، در راستای تأمین توسعه، رفاه، امنیت و منزلت درخور توجه در مقایسه با کشورهای پیرامونی خود، تدابیر لازم را بیندیشند. اگرچه سنجش قدرت ملی کشورها کار ساده‌ای نبوده و از آن به‌عنوان معضلی در جغرافیای سیاسی یاد می‌شود، اما در مقاله حاضر سعی شده با ارائه نوعی روش و مدل، گامی در راستای این مهم برداشته شود.

در این تحقیق، از روش توصیفی - تحلیلی استفاده شده و با طراحی مدل سنجش ماتریسی، وزن ژئوپلیتیکی کشورها براساس شاخص‌ها و عناصر مختلف سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی، سرزمینی و غیره محاسبه و پس از آن کشورها در سطوح مختلف قدرت طبقه‌بندی شده‌اند. واژه‌های کلیدی: ژئوپلیتیک، جغرافیای سیاسی، قدرت ملی، ایران، جنوب غربی آسیا.

*Email: aazami@um.ac.ir

مقدمه

هر کشوری جهت دستیابی به اهداف برنامه ریزی شده در راستای تأمین توسعه، رفاه، امنیت و منزلت درخور توجه در مقایسه با کشورهای پیرامونی خود به تدوین استراتژی‌های مختلف نیاز دارد که ممکن است به اشکال اقتصادی، سیاسی، نظامی، فرهنگی، علمی و غیره متبلور شود. تدوین جداگانه استراتژی‌ها با وجود مزایایی که دارد، راهکار جامع و فراگیری به شمار نمی‌رود. هرگاه استراتژی‌های چندگانه در نظر گرفته شود و عملکردهای بین‌بخشی مورد توجه قرار گیرد، به یقین کارایی و نتایج مثبت و مطلوبی به همراه خواهد داشت. امروزه جغرافی دانان سیاسی، ژئوپلیتیسین‌ها و بسیاری از صاحب‌نظران و سیاست‌مداران، استراتژی‌ای را جامع و فراگیر می‌دانند که مبتنی بر استراتژی ژئوپلیتیک باشد. در استراتژی ژئوپلیتیک، تمامی عوامل و متغیرهای تأثیرگذار بر مقوله‌های توسعه، رفاه، امنیت و منزلت ژئوپلیتیکی مورد توجه قرار می‌گیرد.

از آنجا که در سال‌های اخیر بالا بردن توان و منزلت جمهوری اسلامی ایران در مقایسه با کشورهای منطقه از اهداف مهم دست‌اندرکاران به‌شمار می‌آید، تحقیق حاضر بر آن است تا با در نظر گرفتن عوامل متعدد ژئوپلیتیکی، ضمن سطح‌بندی قدرت در منطقه، جایگاه جمهوری اسلامی را نیز در آن مشخص کند. در این تحقیق هدف، تدوین استراتژی و تحلیل نکات قوت و ضعف برنامه‌ها و اهداف مورد نظر نیست بلکه در راستای تحقق آرمان قدرت اول منطقه‌ای شدن تا پایان اجرای سند چشم‌انداز، در پی آن است تا اولاً وضعیت و رتبه کنونی جمهوری اسلامی ایران را در منطقه شناسایی کند و ثانیاً با بازشناسی نقاط قوت و ضعف در رسیدن به این هدف، کاستی‌ها، محدودیت‌ها و فرصت‌ها را مشخص کند تا دست‌اندرکاران امر با تدوین استراتژی در ابعاد مختلف، نسبت به برطرف ساختن نقاط ضعف و ارتقای نقاط قوت تمهیدات لازم را اتخاذ کنند. برای نیل به این مقصود، تعیین سطح و وزن ژئوپلیتیکی هر یک از کشورهای منطقه، از جمله جمهوری اسلامی ایران ملاکی کارساز و مؤثر به‌شمار می‌آید.

برای تعیین سطح و وزن ژئوپلیتیکی هر یک از کشورهای منطقه، باید سطوح قدرت ملی آنها را مورد سنجش قرار داد. سنجش قدرت ملی کشورها مستلزم ارزیابی و محاسبه مؤلفه‌ها و عوامل مختلف اقتصادی، اجتماعی، سیاسی، سرزمینی، نظامی، فرهنگی، علمی و فرامرزی

است. محاسبهٔ مجموع امتیازات این عوامل نشانگر میزان و سطح قدرت ملی و تعیین جایگاه آنها در میان کشورها در سطح منطقه‌ای و قاره‌ای است؛ به طوری که میزان کسب قدرت و افزایش وزن و منزلت ژئوپلیتیکی کشورها، اقتدار، تأثیرگذاری، منافع بیشتر و گسترش حوزه نفوذ در ابعاد مختلف اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی و سیاسی را در مقیاس‌های منطقه‌ای و قاره‌ای برای آنها را دربر خواهد داشت.

برای شناخت سطوح قدرت کشورها در یک رابطهٔ سلسله‌مراتبی، سنجش وزن ژئوپلیتیکی و قدرت ملی آنها ضروری است. کشوری که بیشترین وزن را داشته باشد، قدرت تراز اول منطقه محسوب می‌شود. قدرت تراز اول سعی در کسب جایگاه رهبری و کنترل منطقه‌ای دارد و در امور منطقه‌ای اعمال نفوذ می‌کند. سایر کشورها با توجه به امتیازی که کسب می‌کنند در رده‌های بعدی قرار می‌گیرند. دشواری تدوین و ارائه این مدل به دلیل نبود روش مشخص، وجود تفاوت‌های قابل توجه میان متغیرهای تأثیرگذار در سنجش قدرت ملی کشورها و فقدان یا محدودیت پیشینهٔ تحقیقاتی، سبب شده تا تحقیق حاضر خالی از اشکال و کاستی نباشد. به همین منظور نه تنها پایان کار نبوده بلکه آغازی است که باید با افزودن شاخص‌ها و متغیرهای تأثیرگذار از سوی سایر علاقه‌مندان و صاحب‌نظران کامل‌تر شود.

روش تحقیق

روش انجام این تحقیق، توصیفی-تحلیلی است و با طراحی مدل سنجش ماتریسی، وزن ژئوپلیتیکی کشورها براساس شاخص‌ها و عناصر مختلف سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی، سرزمینی و غیره محاسبه و پس از آن کشورها در سطوح مختلف قدرت طبقه‌بندی می‌شوند. با توجه به ماهیت و نوع موضوع مورد مطالعه، روش گردآوری اطلاعات به شکل کتابخانه‌ای (فیش برداری، جدول، استفاده از نقشه و کروکی) و ترکیبی از منابعی چون کتب، مجلات و فصلنامه‌ها، اینترنت، آمار، اطلاعات مربوط به سفارتخانه‌ها، کتاب‌های سال کشورها و غیره است.

به طور کلی ارزیابی وزن ژئوپلیتیکی و قدرت ملی کشورها و طبقه‌بندی آنها برای دستیابی به یک نظام قدرت منطقه‌ای با استفاده از مدل سنجش ماتریسی، در حوزهٔ جغرافیای سیاسی از نوآوری برخوردار است و طراحی مدل سنجش وزن ژئوپلیتیکی نیز از جنبه‌های بدیع این

تحقیق محسوب می‌شود. از سوی دیگر، طراحی و آزمایش چنین مدلی برای منطقه جنوب غربی آسیا، به‌نویه خود دارای جنبه نوآوری است.

جدول شماره ۱: عوامل و متغیرهای مورد مطالعه برای سنجش قدرت ملی کشورها

عوامل	متغیرها
اقتصادی	درآمد خالص سرانه، موازنه تجاری، طول خطوط آهن، طول راه‌های آسفالت، درآمد حاصل از گردشگری، درصد بیکاری، تعداد کشتی‌های بالای صد تن، مجموع ذخایر بین‌المللی، سهم GDP از مجموع جهانی
سرزمینی	وسعت به کیلومتر مربع، تراکم نسبی، میزان بارندگی سالانه، شکل سرزمین، موقعیت نسبی، تعداد بندر و فرودگاه‌ها، میزان ذخایر بالقوه نفت و گاز، میزان تولید برق آبی، معادن استراتژیک، طول مرزهای آبی، سرانه منابع آب.
حکومتی	جمعیت پایتخت و نسبت آن به جمعیت کل، تعداد پناهندگان از کشور مورد نظر در کشورهای دیگر، تعداد کودتاها، تعداد انتخابات، انسجام ملی براساس نسبت قومی و نژادی، انسجام ملی براساس نسبت دینی
علمی و فناوریانه	تعداد دانشگاه‌ها، تعداد دانشجویان، تعداد تکنسین‌ها در امور مربوط به تحقیق و توسعه، تعداد مجله‌های علمی، تعداد مقاله‌های علمی، درصد هزینه‌های تحقیق و توسعه از تولید ناخالص داخلی، دستیابی به فناوری غنی‌سازی اورانیوم، تعداد کتب علمی
اجتماعی	تعداد جمعیت، پیش‌بینی جمعیت در سال ۲۰۲۵، امید به زندگی، مرگ‌ومیر هنگام تولید، درصد جمعیت برخوردار از امکانات بهداشتی، افراد برخوردار از هر نفر پزشک، افراد برخوردار از هر یک تخت بیمارستانی، سرانه بودجه بهداشتی، درصد جمعیت برخوردار از آب سالم، مرگ‌ومیر مادران هنگام زایمان، رتبه بین کشورهای درحال توسعه، نرخ باسوادان در افراد بالای ۱۵ سال
فرهنگی	تعداد روزنامه‌های منتشره، تعداد روزنامه‌ها به‌ازای هر هزار نفر، تعداد اماکن توریستی شناخته‌شده توسط یونسکو، تعداد رادیو به‌ازای هر هزار نفر، مشترکین اینترنت به‌ازای هر هزار نفر، تعداد رایانه شخصی به‌ازای هر هزار نفر، تعداد تلویزیون به‌ازای هر هزار نفر، تعداد تلفن همراه به‌ازای هر هزار نفر، تعداد تلفن ثابت به‌ازای هر هزار نفر، تعداد مدال‌های المپیک ۲۰۰۴ آتن، هزینه آموزش و پرورش از GDP، طول تاریخ کشور یا حکومت
نظامی	تعداد نیروهای نظامی، نسبت تعداد نیروهای نظامی به کل جمعیت، درصد هزینه‌های نظامی از مجموع جهانی (۲۰۰۴)، سرانه بودجه دفاعی، برخورداری از کلاهک‌های هسته‌ای، تعداد هواپیماهای جنگی، تعداد بالگردها، تعداد شناورهای رزمی، تعداد پرسنل نیروی هوایی، تعداد پرسنل نیروی دریایی
فرامرزی	عضویت در سازمان‌ها و کنوانسیون‌های بین‌المللی، میزان تلفن به خارج از کشور، تعداد پرواز هواپیماها، تعداد توریست‌های واردشده، تعداد مسافران خارج شده در طول یک سال به‌ازای هر صد نفر

با توجه به تنوع و تعدد عوامل و متغیرهای سنجش قدرت ملی کشورها و یکسان نبودن روش‌های سنجش آنها، بنابه مورد و ضرورت از روش محاسبه مقادیر مطلق، مقادیر نسبی، روش ترکیبی و ابداعی (قراردادی) استفاده شده است.

برای محاسبه و یکسان‌سازی مقادیر نسبی، نگارنده از روش محاسبه «سهم درصد» متغیرها برای کل کشورهای قاره استفاده کرده است. یعنی مجموع متغیرهای نسبی کشورهای کل منطقه، محاسبه و درصدی را که هر یک از کشورها به‌خود اختصاص داده‌اند، همان امتیاز

کشور محسوب شده است. این روش منحصر به تحقیق حاضر است. در کنار آن از روش‌های ابداعی نیز استفاده شده است. موارد ذیل از نوآوری‌های تحقیق به‌شمار می‌روند.

مثال‌هایی برای محاسبهٔ مقادیر

(مثال برای مقادیر مطلق)

امتیاز متغیر تعداد جمعیت

جمعیت منطقه = ۴۸۵,۳۰۳,۰۰۰ نفر

جمعیت کشور پاکستان = ۱۵۳,۹۶۰,۰۰۰ نفر

(درصد جمعیت پاکستان از کل منطقه) $۳۲ = ۱۰۰ \div ۴۸۵,۳۰۳,۰۰۰ \times (۱۵۳,۹۶۰,۰۰۰)$

امتیاز متغیر تعداد جمعیت پاکستان (۳۲)

امتیاز متغیر مساحت

مساحت منطقه = ۱۱,۳۶۶,۲۱۴ کیلومتر مربع، مساحت کشور ایران = ۱,۶۴۸,۱۹۵ کیلومتر مربع

(درصد مساحت ایران از کل منطقه) $۱۴,۵ = ۱۰۰ \div ۱۱,۳۶۶,۲۱۴ \times (۱,۶۴۸,۱۹۵)$

امتیاز متغیر مساحت ایران (۱۴,۵)

(مثال برای مقادیر نسبی)

امتیاز متغیر سرانهٔ روزنامه

مجموع سرانهٔ روزنامه کشورهای منطقه = ۱۲۵۷ سرانهٔ روزنامه ترکیه = (۱۱۱)

(درصد سرانهٔ روزنامه ترکیه) $۱۸,۲ = ۱۰۰ \div ۱۲۵۷ \times ۱۱۱$

امتیاز متغیر سرانهٔ روزنامه ترکیه (۱۸,۲)

مثال برای امتیازات قراردادی

امتیاز بدهی‌های خارجی (منفی): برای هر یک میلیارد دلار بدهی، ۱ امتیاز منفی

امتیاز تعداد انتخابات: برای هر انتخابات در هر کشور، ۱ امتیاز. (۴ انتخابات = ۴ امتیاز)، (۳،

انتخابات = ۳ امتیاز)، (۲ انتخابات = ۲ امتیاز) و (۱ انتخابات = ۱ امتیاز)

امتیاز موقعیت نسبی

کشورهای دارای سواحل طولانی، مجاورت با تنگه‌های بین‌المللی، تعدد همسایگان و موقعیت ترانزیتی ۱ امتیاز (مانند ایران)؛ کشورهای دارای سواحل طولانی، مجاورت با تنگه‌های بین‌المللی، تعدد همسایگان و موقعیت ترانزیتی، ۵ امتیاز (مانند ترکیه)؛ کشورهای بدون سواحل، دور از تنگه‌های بین‌المللی، کم‌همسایه و موقعیت ترانزیتی و محصور در خشکی، ۱ امتیاز (مانند افغانستان).

نکته قابل توجه اینکه در اندازه‌گیری امتیازات متغیرها به ماهیت آنها توجه شده است. یعنی برای آنها که نقش مثبت در قدرت ملی دارند، امتیازات مثبت لحاظ شده است و برای آنها که نقش منفی ایفا می‌کنند، نظیر بدهی‌های خارجی، امتیازات به صورت معکوس محاسبه شده است.

تعریف مفاهیم و مباحث نظری

۱. وزن ژئوپلیتیکی

وزن ژئوپلیتیکی عبارت است از ثقل نیروها و عوامل مثبت و منفی مؤثر در قدرت ملی یک کشور. به عبارتی، وزن ژئوپلیتیکی جمع جبری عوامل قدرت ملی نیروها و عواملی چون بدهی‌های خارجی، شیوع بیماری‌های واگیردار، فقر، بیکاری، بی‌سوادی، بلایای طبیعی و غیره را شامل می‌شود (فرانکل، ۱۳۷۶، ص ۱۵۰). نقش منفی نیروها و عواملی نظیر سطح بالای بهداشت، باسوادی، قدرت نظامی، وجود ذخایر طبیعی، نظام سیاسی مقتدر و باثبات، درآمد سرانه بالا، وسعت سرزمینی و غیره نقش مثبتی در قدرت ملی دارند. برای حصول نتیجه مطلوب و منطقی از تعیین وزن ژئوپلیتیکی هر کشور، توجه به عوامل مثبت و منفی تشکیل‌دهنده قدرت ملی در کنار یکدیگر امری اجتناب‌ناپذیر است. وزن ژئوپلیتیکی، موقعیت یک کشور یا منزلت آن را در مجموعه‌ای از کشورها یا در یک سیستم ژئوپلیتیک جهانی و منطقه‌ای نشان می‌دهد (حافظ‌نیا، ۱۳۷۹، ص ۲۱۱).

۲. قدرت ملی

صاحب‌نظران و نظریه‌پردازان متعددی در رابطه با قدرت ملی، نظریات و عقاید خود را مطرح

کرده‌اند. فردریک راتزل به نقش دو عامل وسعت و موقعیت کشورها در سیاست و قدرت پرداخته و برای رشد فضای کشورها قوانین و ضوابطی را مطرح کرده است که به قوانین هفت‌گانه معروف‌اند (حافظ‌نیا، ۱۳۷۹، ص ۲۲۹).

ساموئل بی‌کوهن، جغرافی‌دان معاصر امریکایی عواملی را که بر قدرت و نقش هر یک از اجزای سیستم، نظیر دولت‌ها و کشورها تأثیر می‌گذارند، این‌گونه برمی‌شمارد:

- * عوامل و تحولات داخلی نظیر ساخت سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و فناوری؛
- * عوامل خارجی، تجارت خارجی، روابط سیاسی و پایگاه‌های نظامی، هم‌پیمانان خارجی، مسائل مهاجرت و غیره که به توسعه و کنش متقابل بین کشورها و دولت‌ها و هم‌بستگی آنها به‌عنوان اجزای سیستم کمک می‌کنند؛
- * نیروهای داخلی که در خارج حضور دارند (همان، ص ۲۳۵).

وی براساس ۱۰ عامل میزان پس‌انداز، تولید کشاورزی، تولید صنعتی، صادرات، تحقیقات توسعه‌ای، تعداد دانشمندان، مهندسان، کاهش بدهی‌های خارجی، مبادله علمی و تعداد اختراعات قدرت کشور را در چهار سطح بسیار بالا، بالا، متوسط و سطح پائین شامل می‌شود (همان، ص ۳۳۵-۶).

حافظ‌نیا معتقد است قدرت ملی به‌عنوان مفهومی ژئوپلیتیکی ویژگی جمعی افراد یک ملت را منعکس می‌کند و هم‌زمان به‌عنوان یک صفت فردی در رابطه با کشور و دولت تجلی پیدا می‌کند. هنگامی که قدرت در قالب یک جامعه یا ملت نگریسته می‌شود، از برآیند توانایی‌های آن جامعه، قدرت عمومی و کلی آن پدیدار می‌شود. بنابراین مجموعه انسان‌هایی که ملتی را تشکیل می‌دهند و در قالب یک کشور سازمان سیاسی پیدا کرده‌اند، دارای قدرتی‌اند که از برآیند قوای ترکیب‌شده آنها به‌دست می‌آید و می‌توان آن را قدرت ملی آن کشور یا ملت دانست. چنین قدرتی که حاصل ترکیب و جمع جبری وجوه مثبت و منفی عناصر و بنیان‌های دولت آن کشور است، از پویایی برخوردار بوده و نسبت به ملت‌ها و کشورهای دیگر قابل فهم و درک است (حافظ‌نیا، ۱۳۸۵، ص ۲۵۱).

ساموئل هانتینگتون معتقد است سیاست‌های جهانی همواره مبتنی بر قدرت و مبارزه برای کسب قدرت است. وی چهار نوع سیستم قدرت جهانی را مورد بحث قرار می‌دهد:

۱. سیستم تک قطبی که در آن یک ابرقدرت و بسیاری قدرت‌های ناچیز دیگر وجود دارند و از قدرت‌های عمده حائز اهمیت خبری نیست. در نتیجه آن ابرقدرت به‌طور مؤثری مسائل مهم بین‌المللی را به تنهایی حل و فصل می‌کند و هیچ مجموعه‌ای از سایر کشورها نمی‌تواند مانع اقدامات آن شوند.
 ۲. سیستم دوقطبی مانند دوران جنگ سرد که در آن دو ابرقدرت وجود داشت و روابط بین آنها در سیاست‌های بین‌المللی نقش اساسی ایفا می‌کرد.
 ۳. سیستم چندقطبی که در آن چندین قدرت عمده با توان تقریباً مساوی وجود دارد و براساس الگوهای متغیر با یکدیگر همکاری و رقابت می‌کنند.
 ۴. سیستم دوگانه تک قطبی - چند قطبی که یک ابرقدرت و تعداد زیادی قدرت‌های عمده در کنار هم هستند. در حال حاضر این سیستم بر جهان حاکم است (Huntington, 1999, PP: 35-49).
- در مجموع می‌توان گفت قدرت ملی عبارت است از: مجموعه‌ای از توانایی‌های مادی و معنوی که در قلمرو یک واحد جغرافیایی و سیاسی به نام کشور یا دولت وجود دارد (حافظ‌نیا، ۱۳۷۹، ص ۲۴۵). به عبارتی قدرت ملی عبارت است از: مجموعه استعدادها، توانمندی‌ها و ظرفیت‌های یک کشور که با هدف اعمال و تحمیل اراده ملی و به دست آوردن اهداف ملی به کار گرفته می‌شود و نیز توانایی، قابلیت و ظرفیت یک ملت و کشور برای استفاده از آن در جهت تحصیل منافع و اهداف ملی (حافظ‌نیا، ۱۳۷۳، ص ۵۶).
- از نظر کاظمی هم قدرت ملی عبارت است از: مجموعه‌ای از توانایی‌های مادی و معنوی که در قلمرو یک واحد جغرافیایی و سیاسی به نام کشور یا دولت وجود دارد (کاظمی، ۱۳۷۳، ص ۱۷۰). قدرت از عوامل ژئوپلیتیک سرچشمه می‌گیرد. این موضوع در زمینه استراتژی کاملاً آشکار است و در مورد اقتصاد و سیاست بین‌المللی نیز تا اندازه زیادی چنین است (والترز، ۱۳۶۳، ص ۱۳). «قدرت کشورهای مختلف را می‌توان به صورت‌های مفهومی گوناگون مقایسه کرد به‌ویژه به‌نظر می‌رسد سه بُعد مهم باشند. «وزن» درجه تأثیرپذیری سیاست دولت مورد نظر را توصیف می‌کند، «زمینه» به جنبه‌های کارکردی یعنی رشته مسائلی که قدرت در آنها مؤثر است، اشاره می‌کند (مانند اقتصادی یا نظامی). «حوزه» به جنبه‌های جغرافیایی، به عرصه‌های ناحیه‌ای، درون ناحیه یا جهانی قدرت و شمار دولت‌ها و دیگر آماج‌ها اشاره دارد» (فرانکل، ۱۳۷۶، ص ۱۵-۱۴۷).

۳. عناصر و منابع تولید قدرت ملی

برای تعیین و محاسبه تولید قدرت ملی، منابع، عناصر و عوامل متعددی وجود دارند که متخصصان رشته‌های مختلف از جمله جغرافیای سیاسی، ژئوپلیتیک، روابط بین‌الملل و علوم سیاسی، در خصوص آن الگوهایی ارائه کرده‌اند. مورگنتا، ارگانسکی، کوهن، گلاسنر و ماهان از جمله این متخصصان هستند.

«گرچه این الگوها در بسیاری موارد همگون و شبیه همدیگرند، اما نتوانسته‌اند قدرت ملی را در قالبی خاص اندازه‌گیری کنند؛ زیرا بخشی از مؤلفه‌های قدرت ملی از دایره کمیت بیرون و دارای کیفیت هستند. از این رو ارزیابی قدرت ملی کار آسانی نیست» (حافظ‌نیا، ۱۳۷۹، ص ۲۴۸).

از سوی دیگر، «به هنگام تحلیل عناصر خاص قدرت هر دولت معین، برخی نکات کلی را باید به خاطر داشت. نخست همه عناصر قدرت این دولت به عناصری که دولت‌های دیگر دارند - به ویژه دولت‌های هم‌جوار و رقیبان و دشمنان احتمالی - مربوط است. دوم، کمیت‌های صرف کاملاً بی‌معنی‌اند. سوم، توانایی‌های فردی دولت‌ها، در کلیت پیچیده قدرت دولت نقش خود را ایفا می‌کند و تنها در این زمینه می‌توان آنها را ارزیابی کرد. هیچ عنصری به تنهایی کافی نخواهد بود؛ اگر عناصر دیگر قدرت دولت ناقص باشند. برای مثال، قدرت نظامی به تنهایی کارآمد نیست، مگر اینکه مردم پشتوانه آن بوده و منافع طبیعی با پیشرفت تکنولوژیک هماهنگ باشند و ضایعات احتمالی را جبران کنند. چهارم، توانایی‌ها ممکن است کم‌وبیش به‌طور مؤثر مورد استفاده باشند. پنجم، به سبب آنکه در عصر رشد ناموزون پیشرفت تکنولوژیک زندگی می‌کنیم، اهمیت نسبی توانایی‌های گوناگون همواره در حال تغییر است. نفت به‌مثابه منبع اصلی انرژی جای زغال را گرفته و ممکن است در آینده اورانیوم جای آن را بگیرد. اورانیوم نیز ارزش خود را از دست خواهد داد. اگر فرایندهای هسته‌ای از راه ترکیب به مرحله‌ای برسند که انرژی آزاد کنند، برای این کار به مواد اتمی قابل شکافت کمی نیاز است. سلاح‌ها پیوسته کهنه می‌شوند، زیردریایی‌ها و کشتی‌های غول‌پیکر بی‌فایده شده‌اند و موشک‌های بالستیک پس از مدت‌ها جای هواپیماهای با خلبان را گرفته‌اند.

این تنها تکنولوژی نیست که تغییر می‌کند. نه تنها از تکامل مواد خام جدید یا سلاح‌های

نو، بلکه از تغییرات کمتر محسوس در مناسبات قدرت و به همان اهمیت در کارایی حکومت یا در اخلاقیات مردم، گسست بزرگی ممکن است پدید آید. سرانجام جنبه آمادگی را نباید نادیده گرفت» (فرانکل، ۱۳۷۶، ص ۱۵-۱۴۷).

در مجموع، قدرت یا به نسبت یک قدرت دیگر سنجیده می‌شود یا نسبت به چند شاخص مهم، یا سطوح قدرت نسبت به هم سنجیده می‌شوند یعنی میانگینی از مجموعه عناصر تولیدکننده قدرت یک کشور سنجیده می‌شود (احمدی‌پور، ۱۳۸۲، ص ۲۰). با وجود این، سؤال اصلی این است: «منابع اصلی و عمده تولید قدرت کدامند؟». صاحب‌نظران و دانشمندان تقسیم‌بندی‌ها و عوامل و منابع مختلف و متعددی را برای تولید قدرت برشمرده‌اند. سید عباس نبوی در کتاب *فلسفه قدرت* چنین نوشته:

«در یک بررسی کلی می‌توان منابع قدرت را در سه نوع اصلی شناسایی کرد: نخست، منابع طبیعی و آنچه طبیعت برای تولید قدرت در اختیار انسان‌ها قرار می‌دهد؛ دوم، منابع انسانی و آنچه جسم و درون انسان‌ها و جامعه انسانی در تولید قدرت به کار می‌آید، سوم، منابع ماورای طبیعی و آنچه بیرون از مدار طبیعت و انسان در تولید قدرت سیاسی - اجتماعی نافذ و مؤثر است» (نبوی، ۱۳۷۹، ص ۱۲۶).

حسین سیف‌زاده در کتاب *نظریه‌های مختلف در روابط بین‌الملل*، از عوامل و عناصر، جغرافیا، جمعیت، حکومت، روحیه ملی، ناسیونالیسم، خصوصیات ملی، ایدئولوژی، دموکراسی و ظرفیت و میزان رهبری یک ملت به‌عنوان اصلی‌ترین عوامل و عناصر قدرت یاد می‌کند (سیف‌زاده، ۱۳۶۸، ص ۱۴۱).

جوزف فرانکل در کتاب *روابط بین‌الملل در جهان متغیر* عوامل تولیدکننده قدرت را جمعیت، جغرافیا، اقتصاد، حکومت و سازمان نظامی، عناصر روان‌شناختی - اجتماعی و موضع استراتژیک بین‌المللی می‌داند (فرانکل، ۱۳۷۶، ص ۱۵۰).

همان‌گونه که ذکر شد نمی‌توان یکی از عوامل یا حتی تعدادی از عوامل اصلی را مبنای تشخیص قدرت ملی کشورها دانست. اما مسلماً عوامل انسانی در به‌کارگیری و کاربرد سایر عوامل تولیدکننده قدرت سهمیم می‌باشند.

اکنون پس از ذکر عوامل و عناصر عمده تشکیل‌دهنده قدرت ملی کشورها، به توضیح و

تشریح برخی از آنها می‌پردازیم:

الف. جمعیت

قدرت کلی به مبانی جمعیت متکی است و کیفیت ترکیب جمعیت در اتحاد و همفکری و افزایش قدرت ملی مؤثر است (امیری، ۱۳۷۹، ص ۲۳۱).

تعداد و کمیت جمعیت یک کشور بدون شک با قدرت آن ارتباط دارد؛ گرچه این ارتباط نسبی است و تا آن مقدار قابل توجه است که هیچگاه یک کشور با جمعیت محدود نمی‌تواند کشور قدرتمندی محسوب شود. همچنین میزان بالای جمعیت نمی‌تواند متضمن میزان واقعی قدرت یک کشور باشد و اهمیت آن به عوامل دیگری نیز بستگی دارد. گرچه این عامل می‌تواند قدرت بیشتر و بالقوه به حساب آید و می‌توان گفت: «در آینده نیز مانند گذشته، جمعیت زیاد به‌عنوان یک مزیت مهم در قدرت نظامی به حساب می‌آید» (سیف‌زاده، ۱۳۶۸، ص ۱۴۴).

«با این حال، اعداد چیزی به ما نمی‌گویند. ما باید تناسب جمعیت در گروه سنی ۲۰ تا ۵۰ سال را تعیین کنیم که هم مولدترین و هم آماده‌ترین افراد برای مسلح شدن هستند. مقایسه این گروه سنی در کشورهای مختلف با توجه به کار زنان در هر دو زمینه به موشکافی بیشتری نیازمند است. افزون‌بر آن، میزان سواد، آموزش و مهارت‌های صنعتی می‌تواند تعیین‌کننده باشد» (فرانکل، ۱۳۷۶، ص ۱۵۱).

ب. جغرافیا

بی‌شک «باثبات‌ترین عامل قدرت یک ملت، جغرافیای آن کشور است» (Morgenthau, 1967, P: 106) عوامل جغرافیایی چون وسعت، شکل، موقعیت، وضع جغرافیایی، ناهمواری‌ها، منابع آب، پوشش گیاهی، اقلیم و غیره همگی با قدرت دولت رابطه مستقیم دارند. قرآن کریم در آیاتی چند به برخی مختصات جغرافیایی سرزمین‌ها و اهمیت آن در قدرت انسانی و بهره‌وری انسان‌ها اشاره کرده و کوه‌ها، راه‌ها و دریاها را به‌عنوان نعمتی الهی در این جهت معرفی نموده است (قرآن کریم، نحل ۸۱، طه ۵۳، زخرف ۱۰). هریک از عوامل بدون در نظر گرفتن عوامل مرتبط دیگر ممکن است نه تنها عامل مثبت بلکه نقش یک عامل منفی را ایفا کنند. «درواقع،

هرجا که سرزمین‌های بی حاصل گسترده مراکز جمعیت را از هم جدا کند، وسعت قلمرو یک دولت می‌تواند به صورت مانعی درآید، مگر اینکه وسائل ارتباطی مناسب گسترش یافته باشند» (فرانکل، ۱۳۷۶، ص ۱۵۲). از سویی، «وسعت به تنهایی و بدون توجه به جمعیت و چگونگی پراکندگی آن، موقعیت جغرافیایی و ویژگی‌های فیزیکی سرزمین (آب و هوا، ناهمواری و منابع طبیعی) نمی‌تواند معیاری برای قدرت باشد» (میرحیدر، ۱۳۷۵، ص ۱۰۶). اگرچه به‌طور معمول و بالقوه «وسعت زیاد یک دولت، با این تصور که از نظر آب و هوا و منابع طبیعی دارای تنوع بیشتری است و از نظر دفاعی و نظامی نسبت به کشورهای کم‌وسعت، برتری دارد به‌عنوان عامل قدرت مطرح می‌شود» (همان).

در مجموع، «وسعتی ایده‌آل است که با توزیع جمعیت آن کشور هماهنگی داشته باشد، زیرا اگر وسعت کشوری زیاد ولی از جمعیت کمی برخوردار باشد، مسئله دفاع از آن کشور با مشکل مواجه خواهد شد» (عزتی، ۱۳۷۱، ص ۸۶).

«شکل» کشور، یکی دیگر از ویژگی‌های جغرافیایی مؤثر بر قدرت دولت است. «اهمیت آن‌هم از جهت فاصله‌ای است که میان دورترین نقاط پیرامون و مرکز جغرافیایی کشور وجود دارد و هم به دلیل مشکلاتی است که از این نظر ممکن است در اداره امور کشور به وجود آید» (میرحیدر، ۱۳۷۵، ص ۱۰۶). گذشته از مزایا و معایب انواع مختلف شکل کشورها، این اشکال عبارتند از: کشورهای جمع‌وجور (فشرده)، کشورهای طویل، کشورهای دنباله‌دار، کشورهای

پاره‌پاره و کشورهای محیطی

«موقعیت» چه از نظر ریاضی که براساس طول و عرض جغرافیایی و چه از نظر نسبی که از روی نزدیکی یا دوری از دریا، مجاورت با یک دولت پر قدرت و سایر همسایگان، مجاورت با کانال یا تنگه بین‌المللی استراتژیک و غیره مشخص می‌شود، تأثیر بسزایی در قدرت ملی کشورها دارد. هر یک از موقعیت‌های یاد شده دارای مزایا و معایبی‌اند که در تقویت و تضعیف قدرت کشورها نقش مهمی دارند.

«ناهمواری‌ها» از دیگر عوامل مهم جغرافیایی‌اند که در قدرت ملی کشورها تأثیرگذارند؛ به‌طوری‌که اگر ارتفاعات با مرزهای سیاسی یک کشور منطبق شوند، شرایط مناسب دفاعی را برای آن فراهم می‌آورند. همچنین ارتفاعات می‌توانند با در اختیار قرار دادن منابع آب جاری

حاصل از ذوب برف‌ها، ضمن رونق بخشیدن به اقتصاد داخلی، در روابط اقتصادی، سیاسی، نظامی و غیره با همسایگان از موقعیت برتری برخوردار باشند. در مجموع بسته به نوع و پراکندگی ارتفاعات و پستی و بلندی‌ها، مزایا و معایب متعددی را برای کشور فراهم می‌آورد. میزان وحدت سیاسی و سهولت یا عدم سهولت در اداره امور کشور، نحوه حمل و نقل و ارتباطات، توزیع فضایی جمعیت و تأثیر آن در ایجاد هم‌بستگی یا تجزیه‌گرایی، نحوه استقرار صنایع (کوچک یا سنگین) و غیره همگی متأثر از آن هستند. امروزه اگرچه با پیشرفت فناوری بسیاری از موانع ناشی از وجود ناهمواری‌ها مرتفع شده اما هنوز میان کشورهایی که بر میزان قابل توجهی از موانع فائق آمده‌اند با کشورهایی که در مقابل آن با مشکلات عدیده‌ای گریبان‌گیرند، تفاوت وجود دارد. براین اساس، ناهمواری‌ها همچنان از مسائل مهم کشورها به‌شمار می‌آیند.

از دیگر عوامل جغرافیایی تأثیرگذار بر قدرت ملی کشورها می‌توان به انواع «مرزها»، به لحاظ شکل، خشکی و آبی، مسافت، «شبکه آب‌های جاری»، محصور در خشکی، آزاد و زیرزمینی، «آب‌وهوا»، «پوشش گیاهی»، «منابع طبیعی» و غیره اشاره کرد.

ج. اقتصاد

«پایه اقتصادی دولت‌های عصر جدید در زمان صلح و جنگ اهمیت زیادی دارد. پایه اقتصادی، شرایط زندگی و رفاه مردم را تعیین می‌کند و بدان وسیله آنها را برای اجرای سیاست خارجی موفقیت‌آمیزی آماده می‌نماید. همچنین بنیاد و اساس صنایع تسلیحاتی است و در تحلیل نهایی می‌توان آن را در جنگ تعیین‌کننده دانست (فرانکل، ۱۳۷۶، ص ۱۵۳).

تولید ناخالص ملی، واردات و صادرات، منابع طبیعی و غیره از جمله عوامل اقتصادی مؤثر در قدرت ملی کشورها هستند. در میان عوامل اقتصادی، مواد خام از اهمیت بالایی برخوردارند. «از لحاظ استراتژیک، مواد خام مهم با یک تلاقی خاص در سه گروه قرار می‌گیرند: سوخت‌ها (زغال سنگ، نفت، گاز طبیعی و مواد فسیلی)، فلزات (به‌ویژه آهن، مس، فولاد، طلا، نقره و غیره) و تولید کشاورزی، شامل مواد غذایی و محصولات صنعتی. در تولید صنعتی، محصول فولاد که پایه همه صنایع سنگین و به‌ویژه پایه تولید سلاح است، معمولاً برتری و اهمیت زیادی دارد. صنایع شیمیایی و الکترونیکی نیز در همه اقتصادهای پیشرفته با

اهمیت‌اند. از دهه ۱۹۷۰ کامپیوترها و تکنولوژی اطلاعات از همه پیشی گرفته‌اند» (فرانکل، ۱۳۷۶، ص ۱۵۵).

د. حکومت و رهبری

نشانه‌های توانایی عینی قدرت یک ملت بیش از هر چیز بستگی به آن دارد که حکومت از عوامل فیزیکی چون جغرافیا، جمعیت و ثروت ملی بهره می‌گیرد یا خیر. عامل جغرافیا برای یک دولت کاردان، اعم از اینکه توتالیترا یا دموکراتیک باشد، یک امتیاز استراتژیک به حساب می‌آید. همچنین چنین دولتی جمعیت و منابع طبیعی را به دو ستون قدرت - آمادگی نظامی و صنعت‌گرایی درخواهد آورد (سیف‌زاده، ۱۳۷۶، ص ۱۴۷). اینکه حکومت از نوع دموکراسی باشد یا دیکتاتوری، نازیسم، فاشیست، کمونیست، توتالیترا و غیره همگی به نوبه خود در قدرت و نحوه بهره‌مندی از آن مؤثر است. نوع نظام سیاسی نیز در این امر حائز اهمیت است. ظرفیت و میزان رهبری یک ملت و تصور آن از جهان نیز از عوامل مهم قدرت به شمار می‌آید. «اگر در رهبری جامعه نقصانی پدیدار شود، ممکن است همه منابع دیگر بی‌فایده شوند. هیچ نیروی انسانی یا صنعتی و نظامی قادر به قدرتمند کردن ملت نخواهد شد؛ مگر آنکه رهبری این منابع را با حداکثر تأثیر در صحنه جهانی مورد استفاده قرار دهد. اگر منابع ملموس، بدنه قدرت باشند، خصوصیات ملی، روح آن و رهبری نیز مغز آن خواهند بود. رهبری به‌تنهایی می‌تواند تصمیم بگیرد که چگونه منابع ملت را به کار گیرد (سیف‌زاده، ۱۳۶۸، ص ۱۵۴).

ه. سازمان نظامی

سازمان نظامی و قدرت نظامی از دیگر عوامل مهم قدرت یک کشور هستند؛ به طوری که «قدرت نظامی شرایط اساسی بقای دولت نه تنها در جنگ بلکه در زمان صلح است و آن را قادر می‌کند سیاست‌های بازدارندگی مؤثری را دنبال کند و توانایی‌های لازم برای برقراری اتحادهای مؤثر را به آن می‌بخشد» (فرانکل، ۱۳۷۶، ص ۱۵۷). در سیاست بین‌الملل، «توان نظامی به‌عنوان تهدید یا توان بالقوه از مهم‌ترین عوامل سازنده قدرت سیاسی یک ملت است» (مطهرنیا، ۱۳۷۸، ص ۲۳۲).

در سازمان نظامی سه عنصر تعیین‌کننده‌اند: «بازدارندگی استراتژیک، سلاح‌های به‌اصطلاح

متعارف که به‌طور سنتی به شاخه‌های هوایی، دریایی و زمینی تقسیم می‌شود و دکترین استراتژیک» (فرانکل، ۱۳۷۶، ص ۱۵۷).

نسبت تولید ناخالص ملی که به اهداف نظامی اختصاص می‌یابد، پشتیبانی مردم در مواقع لزوم و غیره از عوامل تأثیرگذار بر قدرت نظامی کشورها هستند.

و. عناصر روان‌شناختی - اجتماعی

عناصر روان‌شناختی - اجتماعی را کمتر می‌توان در عوامل فوق قرار داد؛ ضمن اینکه سنجش و محاسبه آن به دلیل کیفی بودن بسیار دشوارتر و غیر قابل پیش‌بینی است. وحدت ملی، روحیه ملی، ناسیونالیسم، خصوصیات ملی و ایدئولوژی از جمله این عناصر هستند. «مردمی متحد و متجانس آشکارا بسیار قوی‌تر از مردمی نامتحد و نامتجانس‌اند. هرگونه شکاف اساسی، خواه نژادی، ملی یا دینی و خواه از انواع دیگر، قدرت دولت را کاهش می‌دهد زیرا ممکن است دولت نتواند همه توان مردم خود را در نتیجه برخورد منافع فرقه‌ای، بسیج کند» (فرانکل، ۱۳۷۶، ص ۱۶۰). میزان پشتیبانی مردم از رهبران، ایمان به هدف و امیدواری به عملکرد و رفتار آینده دولت و غیره نشانگر «روحیه» یک ملت است.

خصوصیات ملی از عناصر پایدارتر محسوب می‌شوند. «ریشه خصوصیات ملی به‌عنوان منبع قدرت احتمالاً با فرهنگ و تجربیات تاریخی و ساختار اجتماعی و جامعه‌شناسی با مطالعات روابط بین‌الملل ارتباط پیدا می‌کنند».

«ایدئولوژی» نیز تأثیر بسزایی در قدرت کشورها دارد. «رابطه میان قدرت و ایدئولوژی تا حدودی دوجانبه است. وابستگی به یک ایدئولوژی سبب پیدایش پنداری از آینده می‌شود که حاوی انتظار و اعتماد به پیروزی است. این اعتماد منبع قدرت عظیمی در بلندمدت می‌شود» (سیف‌زاده، ۱۳۶۸، ص ۱۵۳-۱۵۰).

پس از بررسی عوامل و عناصر مختلف تشکیل‌دهنده قدرت ملی کشورها و با در نظر گرفتن نظریات مختلف، به‌طور کلی می‌توان عوامل تولیدکننده قدرت ملی را در ۸ مورد زیر دسته‌بندی کرد:

الف. عوامل اجتماعی؛ ب. عوامل سرزمینی؛ ج. عوامل اقتصادی؛ د. عوامل حکومتی؛ ه. عوامل نظامی؛ و. عوامل علمی و فناوری؛ ز. عوامل فرهنگی و ح. عوامل فراکشوری (حافظ‌نیا و دیگران، ۱۳۸۲، ص ۵۴).

۴. اندازه‌گیری قدرت ملی

قدرت ملی چگونه اندازه‌گیری می‌شود؟ آیا ممکن است الگوی عملی یگانه‌ای ایجاد شود یا انواع مختلف قدرت (سیاسی، اقتصادی و غیره) باید به‌طور متفاوت ارزیابی شوند؟ تلاش‌های زیادی برای اندازه‌گیری قدرت کشورها در تمامی دوران پس از جنگ به‌ویژه در دهه‌های ۶۰ و ۷۰ میلادی صورت گرفته است، اما هنوز الگوی عملی یگانه‌ای برای ارزیابی گونه‌های مختلف قدرت وجود ندارد و دلیل اصلی آن تنوع و تفاوت‌های کیفی و کمی آنهاست. این مدل‌ها هیچ‌گاه منعکس‌کننده قدرت ملی جامع و فراگیر کشورها نبوده‌اند (حافظ‌نیا و دیگران، ۱۳۸۵، ص ۴۶).

در واقع، «اندازه‌گیری» به دو صورت مستقیم (متریک) و غیرمستقیم (سنجش) انجام می‌شود. در نوع نخست، مبنا و ابزار مشخصی برای بیان کمی موضوع یا مقدار و میزان موضوع مورد سنجش وجود دارد. اما در شکل دوم از اندازه‌گیری، موضوع مورد سنجش پیچیده و مرکب است و معیار و ابزار مشخصی جهت سنجش آن وجود ندارد. قدرت از جمله پدیده‌هایی است که اندازه‌گیری آن به طریق مستقیم غیرممکن و به طریق غیرمستقیم بسیار مشکل است (مطهرنیا، ۱۳۷۸، ص ۱۵۸).

یکی از سفسطه‌هایی که مفهوم «قدرت» را در روابط بین‌الملل دچار ابهام می‌کند، این است که قدرت کاملاً قابل اندازه‌گیری و قابل سنجش است. زیرا می‌توان مسائلی مانند شمار سربازان مسلح، گنجایش کشتی‌های جنگی، توان صنعت فولاد در خدمت نیازهای جنگی و غیره را افزایش داد و نیز مقایسه کرد (فرانکل، ۱۳۷۶، ص ۱۴۳).

قدرت دولت چند عنصر مهم را دربرمی‌گیرد که معمولاً از آنها به‌عنوان توانایی‌ها یاد می‌کنند، اما این عناصر سبب کامل شدن توضیح نمی‌شوند. در واقع، این واقعیت که برخی از آنها را می‌توان از لحاظ کمی تبیین کرد، نباید ما را به این فکر نادرست بکشاند که قدرت قابل اندازه‌گیری است. تحلیل اعمال دولت‌ها، قدرت آنها را بهتر از عناصر آماری می‌فهماند (همان: ۱۴۴).

فرانسیس بیکن می‌گوید: «بزرگی یک کشور را از لحاظ وسعت و سرزمین می‌توان اندازه گرفت. میزان دارایی و درآمد آن نیز قابل محاسبه است. عده جمعیت را از راه گردآوری آمار

می‌توان دانست و شمار یا بزرگی شهرها را از راه نقشه‌ها و کارت‌ها؛ باین‌همه، در میان امور مدنیه چیزی اشتباه‌تر از ارزیابی درست و داوری صحیح در مورد قدرت و نیروهای یک کشور نیست» (همان، ۱۴۷-۱۴۶). به عبارتی، قدرت را به‌طور واقعی تنها در اقدام و عمل می‌توان برآورد کرد و بحث از توانایی‌ها تنها می‌تواند نیروی بالقوه دولت یا توان تئوریک آن برای اقدام را به ما بفهماند. ازسویی محاسبه توانایی‌های فیزیکی یک ملت نمی‌تواند مبین قدرت آن باشد. «روانشناسی و اراده نیز بایستی به اندازه منابع و سخت‌افزارها به حساب آیند» (سیف‌زاده، ۱۳۶۸، ص ۱۵۵).

ماهیت قدرت یک ملت در مقابله با ملت‌های دیگر، یکی از انتزاعی‌ترین جنبه‌های روابط بین‌المللی است. اغلب گفته می‌شود که قدرت یک ملت معادل مجموع توانایی‌های آن است. اما این تعریف نمی‌تواند حق مطلب را ادا کند. اگرچه قدرت همیشه دربرگیرنده توانایی‌هاست اما متضمن ابعاد دیگری نیز هست. درحالی‌که توانایی‌های یک ملت قابل اندازه‌گیری هستند، در قدرت ظرافت روان‌شناختی و مقتضیات نسبت وجود دارد. از آنجا که بحث روان‌شناختی قدرت تا حد زیادی به تصورات ملل از یکدیگر متکی است، بسیار پیچیده و حساس است (همان، ۱۴۰).

درمجموع «تعیین قدرت ملی کشورها کار چندان ساده‌ای نیست. عوامل مادی و معنوی با اشکال بالفعل و بالقوه فراوانی در شکل‌گیری قدرت ملی یک کشور مؤثرند که در بسیاری از موارد امکان کمی کردن و مقایسه آنها با هم وجود ندارد. طبیعت مؤلفه‌های تشکیل‌دهنده قدرت ملی این‌گونه است که برخی کیفی بوده، برخی پویا هستند و برخی داده‌ها قابلیت سنجش ندارند و این خصوصیات ارزشیابی دقیق قدرت ملی را مشکل می‌سازد (افشردی، ۱۳۸۱، ص ۲۳۷).

با وجود اینکه موضوع قدرت و اندازه‌گیری آن از مباحث مهم جغرافیای سیاسی به‌شمار می‌رود ولی «اندازه‌گیری قدرت ملی کشورها همیشه به‌صورت یک معضل در جغرافیای سیاسی باقی مانده است» (Taylor, 1993, P: 33). صاحب‌نظران و متخصصین رشته‌های مختلف برای تعیین موقعیت کشورها در سیستم جهانی و مقایسه آنها با یکدیگر به ابداع روش‌ها و الگوهای تک‌متغیره یا چندمتغیره محدود مبادرت ورزیده‌اند و همه آنها از منظر یک یا چند متغیر یا بُعد محدود کشورهای جهان رتبه‌بندی و مقایسه کرده‌اند؛ اما هیچ‌گاه منعکس‌کننده

قدرت ملی جامع و فراگیر کشورها نبوده‌اند (حافظ‌نیا، ۱۳۸۵، ص ۲۸۴).

با توجه به پیچیدگی موضوع اندازه‌گیری قدرت ملی کشورها، در این تحقیق برای سنجش و اندازه‌گیری قدرت ملی کشورها، متغیرهایی ملاک قرار خواهند گرفت که قابل کمی شدن بوده و کاربرد مقایسه‌ای دارند.

۵. منطقه یا ناحیه ژئوپلیتیکی

صاحب‌نظران در خصوص منطقه یا ناحیه ژئوپلیتیکی تعاریف متعددی ارائه کرده‌اند. حافظ‌نیا معتقد است منطقه ژئوپلیتیکی شامل بخشی از سطح سیاره زمین یا مجموعه‌ای از کشورها و واحدهای سیاسی - فضایی همجوار، اعم از فضای خشکی یا آبی یا تلفیقی است که براساس ترکیب عوامل سیاسی و جغرافیایی خاص دارای تجانس و هویت مشخص و یا کارکرد مشترک بوده و از سایر مناطق و نواحی مجاور متمایز گردد. منطقه ژئوپلیتیکی بر پایه یک منطقه یا فضای جغرافیایی متجانس از لحاظ ساختاری یا کارکردی شکل می‌گیرد. هویت‌یابی منطقه ژئوپلیتیکی مستلزم باردار شدن سیاسی منطقه جغرافیایی متجانس و عناصر مربوط به آن است (همان، ۱۴۱). مناطقی چون قاره اروپا، امریکای شمالی، خلیج فارس، جنوب شرقی آسیا و جنوب غربی آسیا از نمونه‌های این‌گونه مناطق ژئوپلیتیکی محسوب می‌شوند.

۶. منطقه جنوب غربی آسیا

جنوب غربی آسیا شامل منطقه وسیع و تعداد فراوانی از کشورهاست که تجانس و یکپارچگی آن به اندازه تجانس و هماهنگی مناطقی چون اروپا و امریکای شمالی نیست و تحت تأثیر تحولات جهانی و اهداف و منافع قدرت‌های فرامنطقه‌ای و غیره، گسیختگی و گسستگی در بین کشورهای آن دیده می‌شود. باین‌وجود، به دلیل هم‌جواری جغرافیایی، اشتراکات دینی، زبانی، نژادی و غیره آن را یک نظام واحد در نظر می‌گیریم. به همین دلیل بخش اعظمی از خاورمیانه سنتی در قاره آسیا در محدوده این منطقه قرار می‌گیرد. به طوری که محدوده وسیعی از آسیای مرکزی و قفقاز را نیز شامل می‌شود. به همین منظور در مقاله حاضر، علاوه بر کشورهای خاورمیانه سنتی، کشورهای واقع در مناطق آسیای مرکزی و قفقاز نیز که به لحاظ جغرافیایی دارای هم‌جواری‌اند، مورد بررسی قرار گرفته‌اند.

بررسی و رتبه‌بندی کشورها براساس عوامل هشت‌گانه

الف. عامل اقتصادی

در بررسی و مقایسه متغیرهای اقتصادی مؤثر در تعیین قدرت ملی کشورها، به ۹ متغیر زیر توجه شده است:

* درآمد خالص سرانه (سهم درصد، یعنی درصد مقادیر هر یک از کشورها نسبت به مجموع درآمد خالص سرانه کشورهای منطقه مشخص و همان امتیاز محسوب شده است)؛
* موازنه تجاری (هر یک میلیارد دلار مثبت، ۱ امتیاز مثبت و هر یک میلیارد دلار منفی، ۱ امتیاز منفی)؛

* سهم GDP کشور از مجموع جهانی (سهم درصد، یعنی درصد مقادیر هر یک از کشورها نسبت به مجموع جهانی، مشخص و همان امتیاز محسوب شده است)؛
* مجموع ذخایر مالی بین‌المللی (سهم درصد، یعنی درصد ذخایر هر یک از کشورها نسبت به مجموع ذخایر کشورهای منطقه مشخص و همان امتیاز محسوب شده است)؛
* درآمد حاصل از گردشگری (سهم درصد، یعنی درصد درآمد هر یک از کشورها نسبت به مجموع درآمد کشورهای منطقه مشخص و همان امتیاز محسوب شده است).

* درصد بیکاری (از صفر تا ۲/۵ درصد، ۰/۵ امتیاز؛ از ۲/۵ تا ۵ درصد، ۱ امتیاز؛ از ۵ تا ۷/۵ درصد ۱/۵ امتیاز؛ از ۷/۵ تا ۱۰ درصد، ۲ امتیاز؛ از ۱۰ تا ۱۲/۵ درصد، ۲/۵ امتیاز؛ از ۱۲/۵ تا ۱۵ درصد، ۳ امتیاز؛ از ۱۵ تا ۱۷/۵ درصد، ۳/۵ امتیاز؛ از ۱۷/۵ تا ۲۰ درصد، ۴ امتیاز؛ از ۲۰ تا ۲۲/۵ درصد، ۴/۵ امتیاز. از ۲۲/۵ تا ۲۵ درصد، ۵ امتیاز. از ۲۵ تا ۲۷/۵ درصد، ۵/۵ امتیاز و از ۲۷/۵ تا ۳۰ درصد، ۶ امتیاز)؛

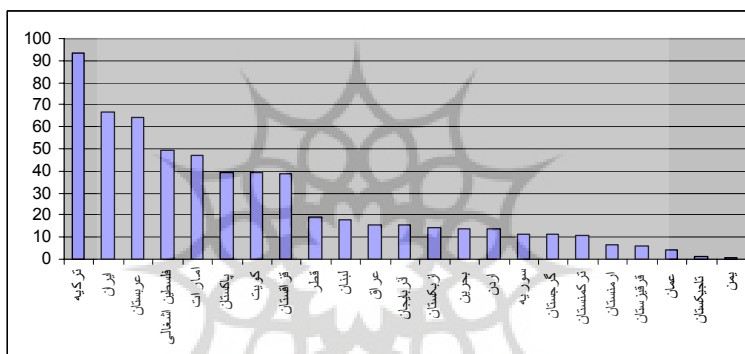
* طول خطوط آهن (سهم درصد، یعنی درصد مقادیر هر یک از کشورها نسبت به مجموع کشورهای منطقه مشخص و همان امتیاز محسوب شده است)؛

* طول راه‌های آسفالت (سهم درصد، یعنی درصد مقادیر هر یک از کشورها نسبت به مجموع کشورهای منطقه مشخص و همان امتیاز محسوب شده است)؛

* تعداد کشتی‌های بالای صد تن (سهم درصد، یعنی درصد مقادیر هر یک از کشورها نسبت به مجموع کشورهای منطقه مشخص و همان امتیاز محسوب شده است)؛

محاسبه امتیازات کشورها با توجه به تنوع عوامل و یکسان نبودن معیارهای سنجش با یکدیگر متفاوت بوده است. با توجه به موارد فوق، کشور ترکیه با ۹۳/۳ امتیاز در رتبه اول منطقه قرار گرفته و به ترتیب، ایران با ۶۶/۶، عربستان با ۶۴، فلسطین اشغالی با ۴۹/۶، امارات با ۴۷/۱، پاکستان با ۳۹/۵، کویت با ۳۹ و قزاقستان با ۳۸/۸ امتیاز در رتبه‌های دوم تا هشتم قرار گرفته‌اند. دامنه امتیازات در بررسی این متغیرها بسیار زیاد می‌باشد.

نمودار ۱: رتبه‌بندی کشورها براساس متغیرهای اقتصادی



ب. عامل فرهنگی

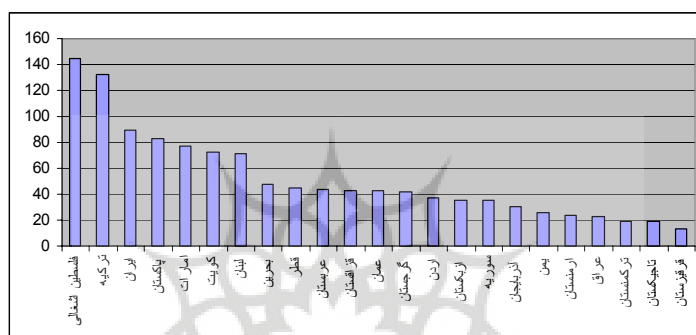
در بررسی و مقایسه عوامل فرهنگی مؤثر در تعیین قدرت ملی کشورها، به ۱۲ متغیر توجه شده است:

* تعداد روزنامه‌ها، سرانه روزنامه به ازای هر هزار نفر، تعداد اماکن توریستی شناخته شده توسط یونسکو، سرانه رادیو به ازای هر هزار نفر، سرانه تلویزیون به ازای هر هزار نفر، کاربران اینترنت، سرانه رایانه شخصی به ازای هر هزار نفر، سرانه تلفن ثابت به ازای هر هزار نفر، سرانه تلفن همراه به ازای هر هزار نفر، تعداد مدال‌های المپیک سال ۲۰۰۴ آتن، درصد هزینه آموزش و پرورش از GDP و طول تاریخ کشور یا حکومت.

(در محاسبه امتیازهای تمامی متغیرهای فرهنگی به سهم درصد، درصد مقادیر هر یک از کشورها نسبت به کل منطقه مشخص و همان امتیاز محسوب شده است).
با توجه به نوع متغیرها از دو نوع محاسبه نسبی و مطلق در امتیازبندی استفاده شده است.

فلسطین اشغالی با ۱۴۵/۱ امتیاز، رتبه اول منطقه را به خود اختصاص داده است. دامنه امتیازات در بررسی متغیرهای فرهنگی بسیار زیاد است. کشورهای ترکیه با ۱۳۲/۶، جمهوری اسلامی ایران با ۸۹/۶، پاکستان با ۸۳ و امارات با ۷۶/۹ امتیاز، به ترتیب در رتبه‌های دوم تا پنجم قرار دارند.

نمودار ۲: رتبه‌بندی کشورها براساس متغیرهای فرهنگی



ج. عامل حکومتی

در بررسی و مقایسه عوامل حکومتی مؤثر در تعیین قدرت ملی کشورها، به ۶ متغیر زیر توجه شده است:

- * نسبت جمعیت پایتخت به کل جمعیت کشور (از صفر تا ۵ درصد، ۱۰ امتیاز؛ از ۵ تا ۱۰ درصد، ۹ امتیاز؛ از ۱۰ تا ۱۵ درصد، ۸ امتیاز؛ از ۱۵ تا ۲۰ درصد، ۷ امتیاز؛ از ۲۰ تا ۲۵ درصد، ۶ امتیاز؛ از ۲۵ تا ۳۰ درصد، ۵ امتیاز؛ از ۳۰ تا ۳۵ درصد، ۴ امتیاز؛ از ۳۵ تا ۴۰ درصد، ۳ امتیاز؛ از ۴۰ تا ۴۵ درصد، ۲ امتیاز و بیش از ۴۵ درصد، صفر امتیاز؛
- * تعداد پناهندگان به سایر کشورها (سه‌م درصد محاسبه شده و سهم صفر تا ۱، ۴/۵ امتیاز؛ از ۱ تا ۲، ۴ امتیاز؛ از ۲ تا ۵، ۳/۵ امتیاز؛ از ۵ تا ۱۰، ۳ امتیاز؛ از ۱۰ تا ۱۵، ۲/۵ امتیاز؛ از ۱۵ تا ۲۰، ۱/۵ امتیاز؛ از ۲۰ تا ۲۵، ۱ امتیاز؛ از ۲۵ تا ۳۰، ۰/۵ امتیاز و بیش از ۳۰ صفر امتیاز؛
- * تعداد انتخابات (برای هر انتخابات در هر کشور، ۱ امتیاز)؛
- * تعداد کودتاها (برای هر کودتا در هر کشور، ۱ امتیاز منفی)؛
- * انسجام ملی براساس نسبت قومی و نژادی (کمتر از عدد ۱، ۱ امتیاز؛ معادل ۱، صفر

منطقه مشخص و همان امتیاز محسوب شده است)؛

* تراکم نسبی جمعیت (زیر ۱۰ نفر، ۱۰ امتیاز؛ از ۱۰ تا ۲۰ نفر، ۹ امتیاز؛ از ۲۰ تا ۳۰ نفر، ۸ امتیاز؛ از ۳۰ تا ۴۰ نفر، ۷ امتیاز؛ از ۴۰ تا ۵۰ نفر، ۶ امتیاز؛ از ۵۰ تا ۶۰ نفر، ۵ امتیاز؛ از ۶۰ تا ۷۰ نفر، ۴ امتیاز؛ از ۷۰ تا ۸۰ نفر، ۳ امتیاز؛ از ۸۰ تا ۹۰ نفر، ۲ امتیاز؛ از ۹۰ تا ۱۰۰ نفر، ۱ امتیاز و بیش از ۱۰۰ نفر، صفر امتیاز)؛

* میزان بارندگی سالیانه (سه‌م درصد، یعنی درصد میزان بارندگی هر یک از کشورها نسبت به میزان بارندگی کل کشورهای منطقه، مشخص و همان امتیاز محسوب شده است)؛

* سرانه منابع آب (عدد سرانه ملاک قرار گرفته است)؛

* میزان ذخایر نفت و گاز (درصدی از کل جهان)؛ (سه‌م درصد، یعنی درصد میزان ذخایر هر یک از کشورها نسبت به میزان کل ذخایر کشورهای قاره مشخص و همان امتیاز محسوب شده است)؛

* میزان تولید برق آبی (سه‌م درصد، یعنی درصد میزان تولید هر یک از کشورها نسبت به میزان کل تولید کشورهای قاره مشخص و همان امتیاز محسوب شده است)؛

* معادن استراتژیک (تعداد مطلق معادن، به‌عنوان امتیاز محاسبه شده است)؛

* طول مرزهای آبی (سه‌م درصد، یعنی درصد مرزهای دریایی هر یک از کشورها نسبت به میزان کل مرزهای دریایی کشورهای منطقه مشخص و همان امتیاز محسوب شده است)؛

* تعداد بنادر و فرودگاه‌ها (سه‌م درصد، یعنی درصد بنادر و فرودگاه‌های هر یک از کشورها نسبت به میزان کل بنادر و فرودگاه‌های کشورهای منطقه مشخص و همان امتیاز محسوب شده است)؛

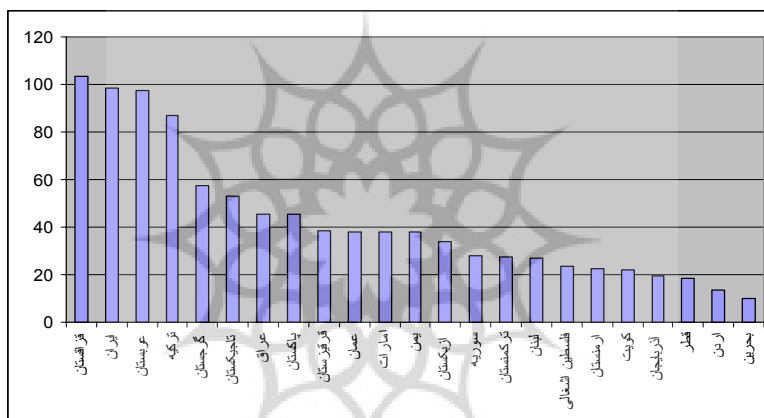
* شکل سرزمین (کشورهای جمع‌وجور و محیطی ۵ امتیاز؛ کشورهای جمع‌وجور یا فشرده ۴ امتیاز؛ کشورهای طویل ۳ امتیاز؛ کشورهای دنباله‌دار ۲ امتیاز و کشورهای پاره‌پاره ۱ امتیاز)؛

* موقعیت نسبی (داشتن سواحل طولانی، مجاورت با تنگه‌های بین‌المللی، تعدد همسایگان، موقعیت ترانزیتی و دارای عقبه استراتژیک ۶ امتیاز؛ کشورهای دارای سواحل طولانی، مجاورت با تنگه‌های بین‌المللی، تعدد همسایگان و موقعیت ترانزیتی ۵ امتیاز؛

کشورهای بدون سواحل، دور از تنگه‌های بین‌المللی، کم‌همسایه و فاقد موقعیت ترانزیتی و محصور در خشکی ۱ امتیاز).

با در نظر داشتن مقادیر نسبی و مطلق متغیرهای فوق، کشور قزاقستان با ۱۰۳/۵ امتیاز رتبه نخست و جمهوری اسلامی ایران با ۹۸/۶، عربستان با ۹۷/۳ و ترکیه با ۸۷ امتیاز رتبه‌های دوم تا چهارم را به خود اختصاص داده‌اند. دامنه امتیازات در متغیرهای سرزمینی نیز شدید است.

نمودار ۴: رتبه‌بندی کشورها براساس متغیرهای سرزمینی



ه. عامل علمی و فناوری

در بررسی و مقایسه عوامل علمی و فناوری مؤثر در تعیین قدرت ملی کشورها، به ۸ متغیر زیر توجه شده است:

* تعداد دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی (سهم درصد، یعنی درصد دانشگاه‌های هر کشور نسبت به دانشگاه‌های کل کشورهای منطقه مشخص و همان امتیاز محسوب شده است)؛

* تعداد دانشجویان (سهم درصد، یعنی درصد دانشجویان هر کشور نسبت به دانشجویان کل کشورهای منطقه مشخص و همان امتیاز محسوب شده است)؛

* تعداد مجله‌های علمی (هر ۵۰ مجله، ۱ امتیاز؛ حداکثر تا ۱۰۰۰ مجله)؛

* تعداد تکنسین‌های مشغول به امر تحقیق و توسعه (سهم درصد، یعنی درصد تکنسین‌های هر کشور نسبت به تکنسین‌های کل کشورهای منطقه مشخص و همان امتیاز محسوب شده است)؛

* تعداد مقالات علمی (هر ۵۰ مقاله، ۱ امتیاز؛ حداکثر تا ۲۰۰۰ مقاله)؛

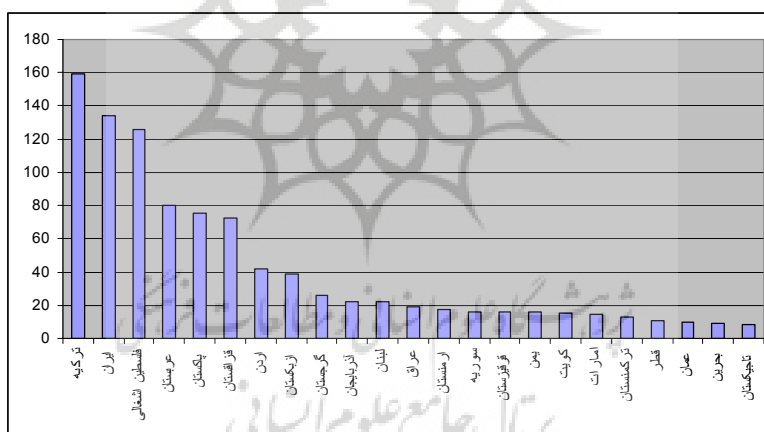
* هزینه‌های تحقیق و توسعه از تولید ناخالص داخلی (هر ۱/۰، ۱ امتیاز؛ حداکثر تا ۲)؛

* تعداد کتاب‌های علمی (هر ۱۰۰ جلد، ۱ امتیاز؛ حداکثر تا ۵۰۰۰ جلد)؛

* دستیابی به تکنیک غنی‌سازی (۲۰ امتیاز)؛

با در نظر داشتن مقادیر نسبی و مطلق متغیرهای فوق، کشور ترکیه با ۱۵۹/۳ امتیاز رتبه نخست، جمهوری اسلامی ایران با ۱۳۴ امتیاز رتبه دوم و فلسطین اشغالی با ۱۲۵/۵ امتیاز رتبه سوم را به خود اختصاص داده اند. دامنه امتیازات در متغیرهای علمی و فناوریانه شدید است.

نمودار ۵: رتبه‌بندی کشورها براساس متغیرهای علمی



و. عامل اجتماعی

در بررسی و مقایسه عوامل اجتماعی مؤثر در تعیین قدرت ملی کشورها، به ۱۲ متغیر زیر توجه شده است:

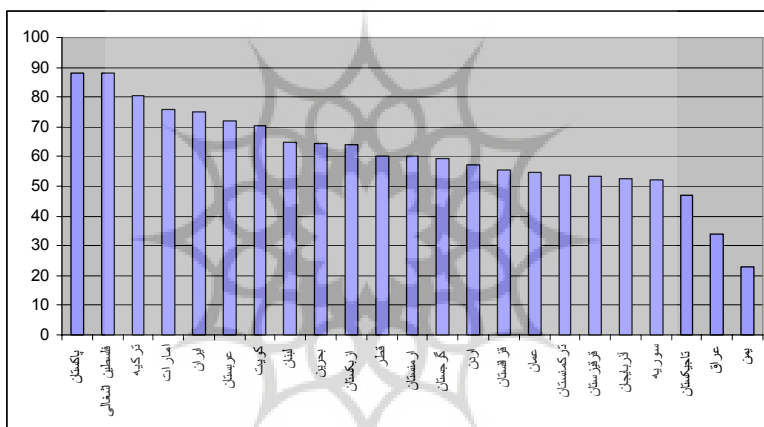
* تعداد جمعیت (سهم درصد، یعنی درصد جمعیت هر یک از کشورها نسبت به جمعیت

کل منطقه مشخص و همان امتیاز محسوب شده است)؛

- * پیش‌بینی جمعیت سال ۲۰۲۵ (سه‌م درصد، یعنی درصد جمعیت هریک از کشورها نسبت به جمعیت کل منطقه مشخص و همان امتیاز محسوب شده است)؛
- * امید به زندگی (سه‌م درصد، یعنی درصد امید به زندگی هر یک از کشورها نسبت به مجموع درصدهای امید به زندگی کل منطقه مشخص و همان امتیاز محسوب شده است)؛
- * مرگ‌ومیر کودکان زیر پنج سال (سه‌م درصد، یعنی درصد مرگ‌ومیر هر یک از کشورها نسبت به مجموع درصدهای کل منطقه مشخص و بین صفر تا ۱، ۳ امتیاز؛ از ۱ تا ۲، ۹ امتیاز و ۹ تا ۱۰، ۱ امتیاز و بیش از ۱۰، صفر امتیاز محسوب شده است)؛
- * درصد جمعیت برخوردار از آب سالم و بهداشتی (سه‌م درصد، یعنی درصد هریک از کشورها نسبت به کل منطقه مشخص و همان امتیاز محسوب شده است)؛
- * درصد جمعیت برخوردار از خدمات بهداشتی (سه‌م درصد، یعنی درصد هر یک از کشورها نسبت به کل منطقه مشخص و همان امتیاز محسوب شده است)؛
- * تعداد افراد برخوردار از هر پزشک (سه‌م درصد، یعنی درصد هر یک از کشورها نسبت به مجموع درصدهای کل منطقه مشخص و بین صفر تا ۱، ۳ امتیاز؛ از ۱ تا ۲، ۹ امتیاز و ۱۰ تا ۱، ۱ امتیاز و بیش از ۱۰، صفر امتیاز محسوب شده است)؛
- * تعداد افراد برخوردار از یک تخت بیمارستانی (سه‌م درصد، یعنی درصد هر یک از کشورها نسبت به مجموع درصدهای کل منطقه مشخص و بین صفر تا ۱، ۳ امتیاز؛ از ۱ تا ۲، ۹ امتیاز و ۹ تا ۱۰، ۱ امتیاز و بیش از ۱۰، صفر امتیاز محسوب شده است)؛
- * سرانه هزینه بهداشت (سه‌م درصد، یعنی درصد هریک از کشورها نسبت به کل منطقه و حداکثر تا ۲۰ امتیاز محسوب شده است)؛
- * مرگ‌ومیر مادران هنگام تولد فرزندان (سه‌م درصد، یعنی درصد مرگ‌ومیر هر یک از کشورها نسبت به مجموع درصدهای کل منطقه مشخص و بین صفر تا ۱، ۳ امتیاز؛ از ۱ تا ۲، ۹ امتیاز و ۹ تا ۱۰، ۱ امتیاز و بیش از ۱۰، صفر امتیاز محسوب شده است)؛
- * نرخ سواد افراد ۱۵ سال به بالا (سه‌م درصد، یعنی درصد باسوادان هریک از کشورها نسبت به باسوادان کل منطقه مشخص و همان امتیاز محسوب شده است)؛
- * رتبه در شاخص توسعه انسانی (سه‌م درصد، یعنی درصد رتبه هر یک از کشورها

نسبت به مجموع کل منطقه مشخص و به‌طور معکوس محاسبه شده‌اند. کشورهای دارای صفر تا ۱، ۸ امتیاز؛ ۱ تا ۲، ۷ امتیاز و بین ۷ تا ۸، ۱ امتیاز؛ با توجه به مقادیر نسبی و مطلق متغیرهای فوق، کشور پاکستان با ۸۸/۱ امتیاز؛ رتبه نخست و کشورهای فلسطین اشغالی ۸۸، ترکیه با ۸۰/۴، امارات با ۷۵/۹، جمهوری اسلامی ایران با ۷۵ و عربستان با ۷۲/۲ امتیاز در رتبه‌های دوم تا ششم قرار گرفته‌اند.

نمودار ۶: رتبه‌بندی کشورها براساس متغیرهای اجتماعی



ز. عامل نظامی

در بررسی و مقایسه عوامل نظامی تأثیرگذار در تعیین قدرت ملی کشورها، به ۱۰ متغیر زیر توجه شده است:

- * تعداد نیروهای نظامی (سهم درصد، یعنی درصد تعداد نیروهای نظامی هر یک از کشورها نسبت به نیروهای کشورهای منطقه مشخص و همان امتیاز محسوب شده است)؛
- * نسبت تعداد نیروهای مسلح به جمعیت (سهم درصد، یعنی درصد نسبت تعداد نیروهای هر یک از کشورها به نسبت تعداد نیروهای کشورهای منطقه مشخص و همان امتیاز محسوب شده است)؛
- * درصد هزینه‌های نظامی از مجموع جهانی (سهم درصد، یعنی درصد سهم بودجه هر

یک از کشورها نسبت به مجموع جهانی مشخص و همان امتیاز محسوب شده است)؛

* سرانه بودجه دفاعی (سهم درصد، یعنی درصد سرانه بودجه دفاعی هر یک از کشورها نسبت به سرانه کشورهای منطقه مشخص و زیر ۱، ۱ امتیاز؛ از ۱ تا ۲، ۲ امتیاز؛ از ۲ تا ۳، ۳ امتیاز از ۱۰ تا ۱۵، ۱۱ امتیاز و از ۱۵ تا ۲۰، ۱۲ امتیاز محسوب شده است)؛

* تعداد پرسنل نیروی هوایی (سهم درصد، یعنی درصد تعداد نیروهای هوایی هر یک از کشورها نسبت به نیروهای کشورهای منطقه مشخص و همان امتیاز محسوب شده است)؛

* تعداد پرسنل نیروی دریایی (سهم درصد، یعنی درصد تعداد نیروهای دریایی هر یک از کشورها نسبت به نیروهای کشورهای منطقه مشخص و همان امتیاز محسوب شده است)؛

* تعداد هواپیماهای جنگی (سهم درصد، یعنی درصد هواپیماهای هر یک از کشورها نسبت به هواپیماهای کشورهای منطقه مشخص و همان امتیاز محسوب شده است)؛

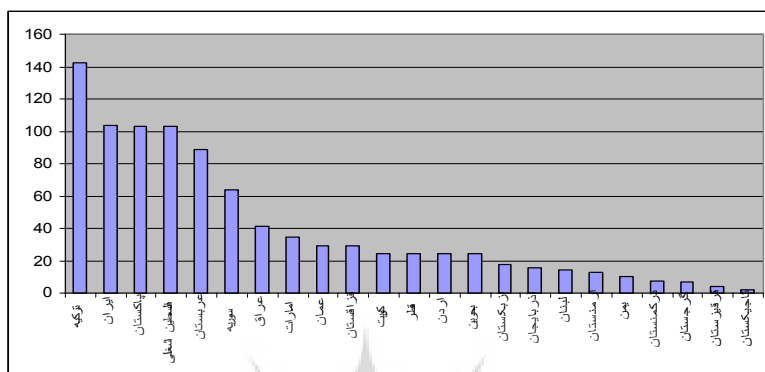
* تعداد بالگردها (سهم درصد، یعنی درصد بالگردهای هریک از کشورها نسبت به بالگردهای کشورهای منطقه مشخص و همان امتیاز محسوب شده است)؛

* تعداد شناورهای رزمی (سهم درصد، یعنی درصد شناورهای هریک از کشورها نسبت به شناورهای کشورهای منطقه مشخص و همان امتیاز محسوب شده است)؛

* قدرت هسته‌ای (۱۰ امتیاز)

با توجه به مقادیر نسبی و مطلق این متغیرها، کشور ترکیه با ۱۴۲/۶ امتیاز، رتبه نخست و کشورهای جمهوری اسلامی ایران با ۱۰۳/۷، پاکستان با ۱۰۳/۳، فلسطین اشغالی با ۱۰۳، عربستان با ۸۹ و سوریه با ۶۳/۶ امتیاز در رتبه‌های دوم تا ششم قرار دارند. دامنه امتیازات در متغیرهای نظامی بسیار شدید است.

نمودار ۷: رتبه‌بندی کشورها براساس متغیرهای نظامی



ح. عوامل فرامرزی

در بررسی و مقایسه متغیرهای فرامرزی تأثیرگذار در تعیین قدرت ملی کشورها، به ۵ متغیر زیر توجه شده است:

* عضویت در سازمان‌ها و کنوانسیون‌های بین‌المللی (سه‌م درصد، یعنی درصد هر یک از کشورها نسبت به کل کشورهای منطقه مشخص و همان امتیاز محسوب شده است)؛

* میزان تلفن به خارج از کشور برحسب دقیقه در سال (سه‌م درصد، یعنی درصد هر

یک از کشورها نسبت به کل کشورهای منطقه مشخص و همان امتیاز محسوب شده است)؛

* تعداد پرواز هواپیماها به هزار (سه‌م درصد، یعنی درصد هر یک از کشورها نسبت به کل

کشورهای منطقه مشخص و همان امتیاز محسوب شده است)؛

* تعداد توریست‌های واردشده به ازای هزار نفر (سه‌م درصد، یعنی درصد هر یک از

کشورها نسبت به کل کشورهای منطقه مشخص و همان امتیاز محسوب شده است)؛

* تعداد مسافران خارج‌شده در یک سال به ازای هر هزار نفر (سه‌م درصد، یعنی درصد

هر یک از کشورها نسبت به کل کشورهای منطقه مشخص و کشورهای دارای زیر ۱ درصد،

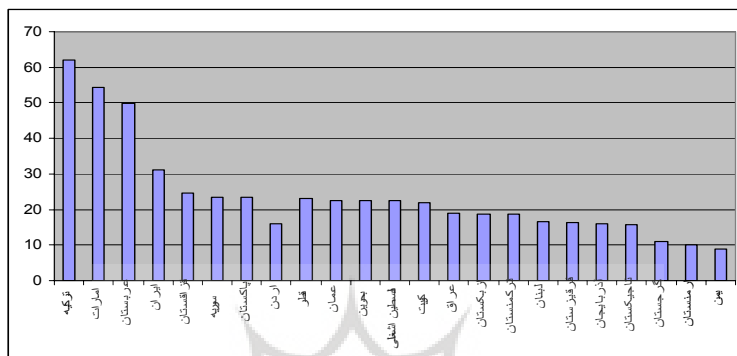
۱۰ امتیاز؛ ۱ تا ۲، ۹ تا ۱۰، ۱ و بیش از ۱۰، صفر امتیاز را کسب کرده‌اند).

با توجه به مقادیر نسبی و مطلق متغیرهای فوق، کشور ترکیه با ۶۱/۹ امتیاز؛ رتبه نخست و

کشورهای امارات با ۵۴/۳، عربستان با ۴۹/۹، جمهوری اسلامی ایران با ۳۱ و قزاقستان با ۲۴/۶

امتیاز در رتبه‌های دوم تا پنجم قرار گرفته‌اند.

نمودار ۸: رتبه‌بندی کشورها براساس متغیرهای نظامی

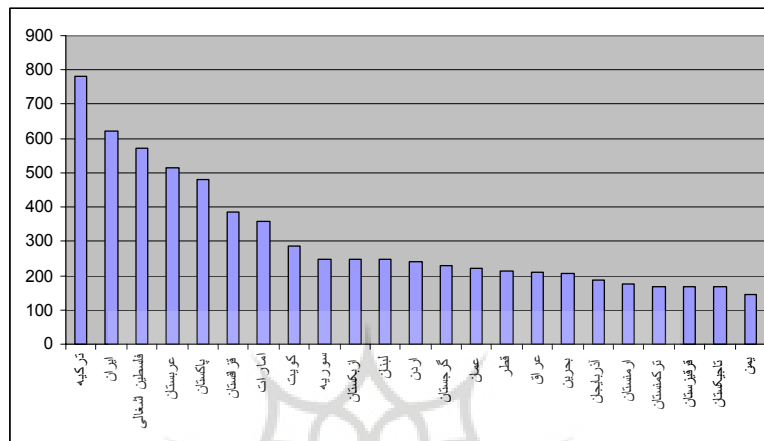


رتبه‌بندی کشورهای منطقه جنوب غربی آسیا براساس عوامل هشت‌گانه مولد قدرت ملی یافته‌های تحقیق براساس جداول هشت‌گانه نشان می‌دهد کشور ترکیه با ۷۸۰/۶ امتیاز از مجموع عوامل اقتصادی، فرهنگی، سیاسی، سرزمینی، علمی و فناورانه، اجتماعی، فرامرزی و نظامی، بالاترین میزان قدرت ملی را در میان ۲۳ کشور منطقه دارند. این کشور از لحاظ عوامل اقتصادی، علمی، نظامی و فرامرزی رتبه اول، از لحاظ عوامل فرهنگی رتبه دوم، از لحاظ عوامل اجتماعی رتبه سوم و از لحاظ عوامل سیاسی و سرزمینی رتبه چهارم را به‌خود اختصاص داده است. جمهوری اسلامی ایران با ۶۲۲/۵ امتیاز رتبه دوم را در سطح منطقه به‌خود اختصاص داده است. به‌طوری‌که در عوامل نظامی، اقتصادی، سرزمینی، علمی و سیاسی رتبه دوم، در عوامل فرهنگی رتبه سوم، در عوامل فرامرزی رتبه چهارم و در عوامل اجتماعی رتبه پنجم را به‌خود اختصاص داده است. فلسطین اشغالی با کسب ۵۷۳/۸ امتیاز در رتبه سوم منطقه قرار گرفته است. کشورهای عربستان با ۵۱۶/۵، پاکستان با ۴۸۰/۲، قزاقستان با ۳۸۴ و امارات متحده عربی با ۳۵۶/۹ امتیاز، به‌ترتیب رتبه‌های چهارم تا هفتم را به‌خود اختصاص داده‌اند.

جدول شماره ۲: مجموع امتیازات عوامل هشت‌گانه و رتبه‌بندی کشورها براساس قدرت ملی

ردیف	نام کشور	عامل اقتصادی	عامل فرهنگی	عامل سیاسی	عامل سرزمینی	عامل علمی	عامل اجتماعی	عامل نظامی	عامل فرامرزی	جمع
۱	ترکیه	۹۳/۳	۱۳۲/۶	۲۳/۵	۸۷	۱۵۹/۳	۸۰/۴	۱۴۲/۶	۶۱/۹	۷۸۰٫۶
۲	ایران	۶۶/۶	۸۹/۶	۲۴	۹۸/۶	۱۳۴	۷۵	۱۰۳/۷	۳۱	۶۲۲٫۵
۳	فلسطین اشغالی	۴۹/۶	۱۴۵/۱	۱۶/۵	۲۳/۷	۱۲۵/۵	۸۸	۱۰۳	۲۲/۴	۵۷۳٫۸
۴	عربستان	۶۴	۴۴/۲	۱۹/۵	۹۷/۳	۸۰/۴	۷۲/۲	۸۹	۴۹/۹	۵۱۶٫۵
۵	پاکستان	۳۹/۵	۸۳	۲۲/۵	۴۵/۳	۷۵/۲	۸۸/۱	۱۰۳/۳	۲۳/۳	۴۸۰٫۲
۶	قزاقستان	۳۸/۸	۴۲/۱	۱۷/۵	۱۰۳/۵	۷۲/۱	۵۵/۵	۲۸/۹	۲۴/۶	۳۸۴
۷	امارات	۴۷/۱	۷۶/۹	۱۵	۳۸/۰۵	۱۴/۸	۷۵/۹	۳۴/۸	۵۴/۳	۳۵۶٫۹
۸	کویت	۳۹	۷۲/۶	۱۸/۵	۲۲/۱	۱۵/۶	۷۰/۴	۲۴/۶	۲۱/۹	۲۸۴٫۷
۹	سوریه	۱۱/۵	۳۵/۴	۱۷	۲۸/۲	۱۶/۲	۵۲	۶۲/۶	۲۳/۵	۲۴۷٫۴
۱۰	ازبکستان	۱۴/۵	۳۵/۷	۲۳/۶	۳۳/۸	۳۹/۲	۶۳/۸	۱۷/۳	۱۸/۸	۲۴۶٫۷
۱۱	لبنان	۱۷/۹	۷۱/۸	۱۲/۵	۳۷/۲	۲۱/۸	۶۴/۷	۱۴	۱۶/۵	۲۴۶٫۴
۱۲	اردن	۱۳/۴	۳۷	۲۸/۵	۱۳/۷	۴۱/۷	۵۷/۱	۲۴/۴	۲۳/۲	۲۳۹
۱۳	گرجستان	۱۱/۲	۴۲/۳	۱۴	۵۷/۴	۲۵/۹	۵۹/۴	۶/۵	۱۱/۱	۲۲۷٫۸
۱۴	عمان	۴/۴	۴۲/۶	۱۸	۳۸/۱	۹/۷	۵۴/۸	۲۹/۱	۲۲/۶	۲۱۹٫۳
۱۵	قطر	۱۹/۲	۴۵/۲	۱۱	۱۸/۱	۱۰/۹	۶۰/۳	۲۴/۵	۲۳/۱	۲۱۲٫۳
۱۶	عراق	۱۵/۶	۲۲/۸	۱۲	۴۵/۵	۱۹/۳	۳۴/۱	۴۱/۴	۱۸/۹	۲۰۹٫۶
۱۷	بحرین	۱۳/۵	۴۷/۹	۱۴/۵	۱۰/۲	۹/۳۵	۶۴/۴	۲۴/۲	۲۲/۵	۲۰۶٫۶
۱۸	آذربایجان	۱۵/۳	۳۰/۷	۱۶	۱۹/۶	۲۲/۴	۵۲/۶	۱۵/۷	۱۶/۱	۱۸۸٫۴
۱۹	ارمنستان	۶/۷۵	۲۴/۲	۲۳	۲۲/۴	۱۷/۲	۶۰/۲	۱۲/۷	۱۰	۱۷۶٫۵
۲۰	ترکمنستان	۱۱	۱۹/۳	۱۸/۵	۲۷/۳	۱۳/۲	۵۳/۷	۷/۷	۱۸/۶	۱۶۹٫۳
۲۱	قرقیزستان	۶/۰۴	۱۳/۵	۲۱/۵	۳۸/۷	۱۵/۸	۵۳/۶	۳/۹	۱۶/۲	۱۶۹٫۲
۲۲	تاجیکستان	۱/۴	۱۹/۲	۲۲	۵۳/۲	۸/۵	۴۶/۹	۲/۲	۱۵/۶	۱۶۹
۲۳	یمن	۰/۵	۲۵/۴	۲۱/۵	۳۷/۸	۱۵/۷	۲۳	۱۰/۵	۸/۸	۱۴۳٫۲

نمودار ۹: رتبه‌بندی کشورها براساس عوامل هشت‌گانه مولد قدرت ملی



۵. تجزیه و تحلیل و نتیجه‌گیری

با بررسی، محاسبه و مقایسه ۷۲ متغیر در قالب عوامل هشت‌گانه اقتصادی، فرهنگی، سیاسی، سرزمینی، علمی و فناوریانه، اجتماعی، نظامی و فرامرزی مؤثر در تشکیل و تعیین میزان قدرت ملی کشورها که قابل کمی شدن بودند، کشورهای منطقه جنوب غربی آسیا (به اضافه کشورهای مناطق آسیای مرکزی و قفقاز که از لحاظ ساختارهای اجتماعی، اقتصادی و غیره اشتراکات فراوانی با این منطقه دارند و البته به استثنای کشور افغانستان که آمار و داده‌های آن در بسیاری از متغیرها موجود نبود)، براساس وزن ژئوپلیتیکی و به تبع آن میزان قدرت ملی رتبه‌بندی شدند. براساس این بررسی به‌طور کلی در منطقه، چهار سطح قدرت به شرح زیر قابل تشخیص است.

* قدرتهای درجه اول شامل ترکیه، جمهوری اسلامی ایران، فلسطین اشغالی، عربستان و پاکستان که امتیاز آنها بالاتر از ۴۰۰ است.

* قدرتهای درجه دوم شامل قزاقستان و امارات متحده عربی که بین ۳۰۰ تا ۴۰۰ امتیاز دارند.

* قدرتهای درجه سوم شامل کویت، سوریه، ازبکستان، لبنان، اردن، گرجستان، عمان، قطر، عراق و بحرین که بین ۲۰۰ تا ۳۰۰ امتیاز دارند.

* قدرت‌های هجده چهارم شامل آذربایجان، ارمنستان، ترکمنستان، قرقیزستان، تاجیکستان و یمن که زیر ۲۰۰ امتیاز دارند.

هرم سطوح چهارگانه قدرت در منطقه جنوب غربی آسیا



پس از بررسی جایگاه و وزن ژئوپلیتیکی کشورها براساس مجموع عوامل هشت‌گانه، مشخص شد که جمهوری اسلامی ایران با کسب ۶۲۲/۵ امتیاز از نظر میزان قدرت ملی در میان ۲۳ کشور منطقه جنوب غربی آسیا، رتبه دوم را کسب کرده است. براساس نتایج تحقیق مشخص شد که ایران در منطقه در جایگاه مناسبی قرار دارد. گرچه انتظار می‌رود با قابلیت‌ها و توانمندی‌هایی که دارد، جایگاه آن از وضعیت کنونی نیز فراتر رفته و رتبه اول منطقه را به‌دست آورد.

می‌توان گفت جمهوری اسلامی ایران دارای مزیت‌ها و فرصت‌های مناسبی در زمینه عوامل ثابت ژئوپلیتیکی است که بیشتر مربوط به عوامل سرزمینی و جغرافیایی است؛ موضوعی که به آن توجه کافی نشده و نمی‌شود. بنابراین مناسب است این فرصت‌ها از سوی دست‌اندرکاران، درک و در تصمیم‌گیری‌ها، تصمیم‌سازی‌ها و استراتژی‌ها مورد استفاده قرار گیرند. جمهوری اسلامی ایران گرچه در عوامل اقتصادی، سیاسی، سرزمینی، علمی و نظامی رتبه

دوم را به خود اختصاص داده و در برخی از آنها فاصله قابل توجهی با کشور رتبه سوم دارد، برای رسیدن به قدرت اول منطقه در این عوامل راه طولانی در پیش دارد. در زمینه عوامل فرهنگی رتبه سوم را کسب کرده است. با عوامل فرامرزی در رتبه چهارم و به ویژه عوامل اجتماعی با رتبه پنجم، با تلاش مضاعفی برای مرتفع نمودن کاستی‌ها و معضلات مترتب بر آنها مواجه می‌باشد.

قدردانی

مقاله حاضر مستخرج از طرح پژوهشی با عنوان «وزن ژئوپلیتیکی جمهوری اسلامی ایران و مقایسه آن با کشورهای جنوب غربی آسیا» می‌باشد که به سفارش صندوق حمایت از پژوهشگران کشور انجام پذیرفته است. لذا بدین وسیله از آن صندوق به دلیل حمایت‌های مالی قدردانی می‌گردد.

منابع و مأخذ

۱. قرآن کریم، (سوره مبارکه نحل، آیه ۸۱، سوره مبارکه طه، آیه ۵۳، سوره مبارکه زخرف، آیه ۱۰).
۲. احمدی‌پور، زهرا، «نظام سیاسی منطقه‌ای»، جزوهٔ درسی، دانشگاه تربیت مدرس، ۱۳۸۱، چاپ‌نشده.
۳. اعظمی، هادی، «الگویابی نظام قدرت در آفریقا»، دانشگاه تربیت مدرس، رساله دکتری.
۴. افشردی، محمدحسین، ژئوپلیتیک قفقاز و سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، (تهران، دانشکده فرماندهی و دافوس، ۱۳۸۱).
۵. امیری، حشمت، کلیات روابط بین‌الملل، (تهران، مؤسسه انتشارات هادی، ۱۳۷۹).
۶. بختیاری، سعید، اطلس جامع گیتاشناسی، (تهران، مؤسسه جغرافیایی و کارتوگرافی گیتاشناسی، ۱۳۸۲).
۷. جعفری، عباس، گیتاشناسی نوین کشورها، (تهران، مؤسسه جغرافیایی و کارتوگرافی گیتاشناسی، ۱۳۸۲).
۸. حافظ‌نیا، محمدرضا، مبانی مطالعات سیاسی - اجتماعی، (تهران، سازمان حوزه‌ها و مدارس علمیه خارج از کشور، ۱۳۷۹).
۹. حافظ‌نیا، محمدرضا، مقدمه‌ای بر روش تحقیق در علوم انسانی، (تهران، سمت، ۱۳۸۱).
۱۰. حافظ‌نیا، محمدرضا و دیگران، «تحلیل مبانی جغرافیایی قدرت ملی جمهوری اسلامی ایران»، نشریه علوم جغرافیایی دانشگاه تربیت معلّم، (تهران، ۱۳۸۲).
۱۱. حافظ‌نیا، محمدرضا و هادی اعظمی، «ساختار نظام قدرت منطقه‌ای در آفریقا و پیشنهادهایی برای سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران»، همایش تحولات ژئوپلیتیکی آفریقا در آغاز هزاره سوم، (دانشگاه تربیت مدرس، مرکز مطالعات آفریقا، ۱۳۸۳).
۱۲. حافظ‌نیا، محمدرضا، اصول و مفاهیم ژئوپلیتیک، (مشهد، انتشارات پاپلی، ۱۳۸۵).
۱۳. حافظ‌نیا، محمدرضا و دیگران، طراحی مدل سنجش قدرت ملی کشورها، (تهران، لجنم ژئوپلیتیک ایران، ۱۳۸۵).
۱۴. سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی، سالنامه آماری کشور، (تهران، مرکز آمار ایران، ۱۳۸۱).
۱۵. سیف‌زاده، حسین، نظریه‌های مختلف در روابط بین‌الملل، (تهران، نشر سفیر، ۱۳۶۸).
۱۶. عزّتی، عزّت‌الله، ژئوپلیتیک، (تهران، سمت، ۱۳۷۱).
۱۷. فرانکل، جوزف، روابط بین‌الملل در جهان متغیر، ترجمهٔ عبدالرحمان عالم، (تهران، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت امور خارجه، ۱۳۷۶).
۱۸. کاظمی، علی‌اصغر، روابط بین‌الملل در تئوری و عمل، (تهران، نشر قومس، ۱۳۷۳).
۱۹. مطهرنیا، مهدی، تبیین نوین بر مفهوم قدرت در سیاست و روابط بین‌الملل، (تهران، مرکز چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه، ۱۳۷۸).
۲۰. میرحیدر، درّه، مبانی جغرافیای سیاسی، (تهران، سمت، ۱۳۷۵).
۲۱. نبوی، عباس، فلسفهٔ قدرت، (تهران، پژوهشکده حوزه و دانشگاه و سمت، ۱۳۷۹).
۲۲. والترز، رابرت، دام سلاح هسته‌ای و راهی برای گریز از آن، ترجمهٔ فتاحی، (تهران، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت امور خارجه، ۱۳۶۳).

23. Cohen, Saul B. **Geopolitics in the new World Era, In Reordering the World**,(USA: Westview Press, 1994).
24. Direction of Trade Statistics Year Book, U.S.A International Monetary Fund, (Washington, D.c, 2004).
25. Huntington, Samuel P. "The Lonely Superpower", **Foreign Affaire**, 1999.
26. Huntington, Samuel P. "The New Dimention of Power", **Foreign Affaire**, 1999.
27. Morgenthau, Hans J. **Politics Among Nations**; (New York: Knop, 1967).
28. Taylor, P. **Political Geography**. U.K: Longman Scintifican Technical, 1993.
29. The World Bank, **World Development Indicators**, 2002; USA.
30. Turner, Barry, **The Stateman's Yearbook**, (New York: Palgrave, 2002).
31. Turner, Barry; **The Stateman's Yearbook**, (New York: Palgrave, 2003).

